DAILY
اراده
د افغان نشراتی مرکز ملي خپلواکه ورځپانه

سال سوم شماره ۱۷۹
شماره مسلسل ۲۵۹
دو شنبه ۲۷ اسد ۱۳۸۲ه.ش
۱۹ جمادی الثانی ۱۴۲۴ه.ق
18 August 2003

PROPERTY OF ACKU
AFGHAN MEDIA RESOURCE CENTER
A.M.R.C
سال تاسیس ۱۳۷۹ه ش

آزادی! به سوی تو میشتابیم

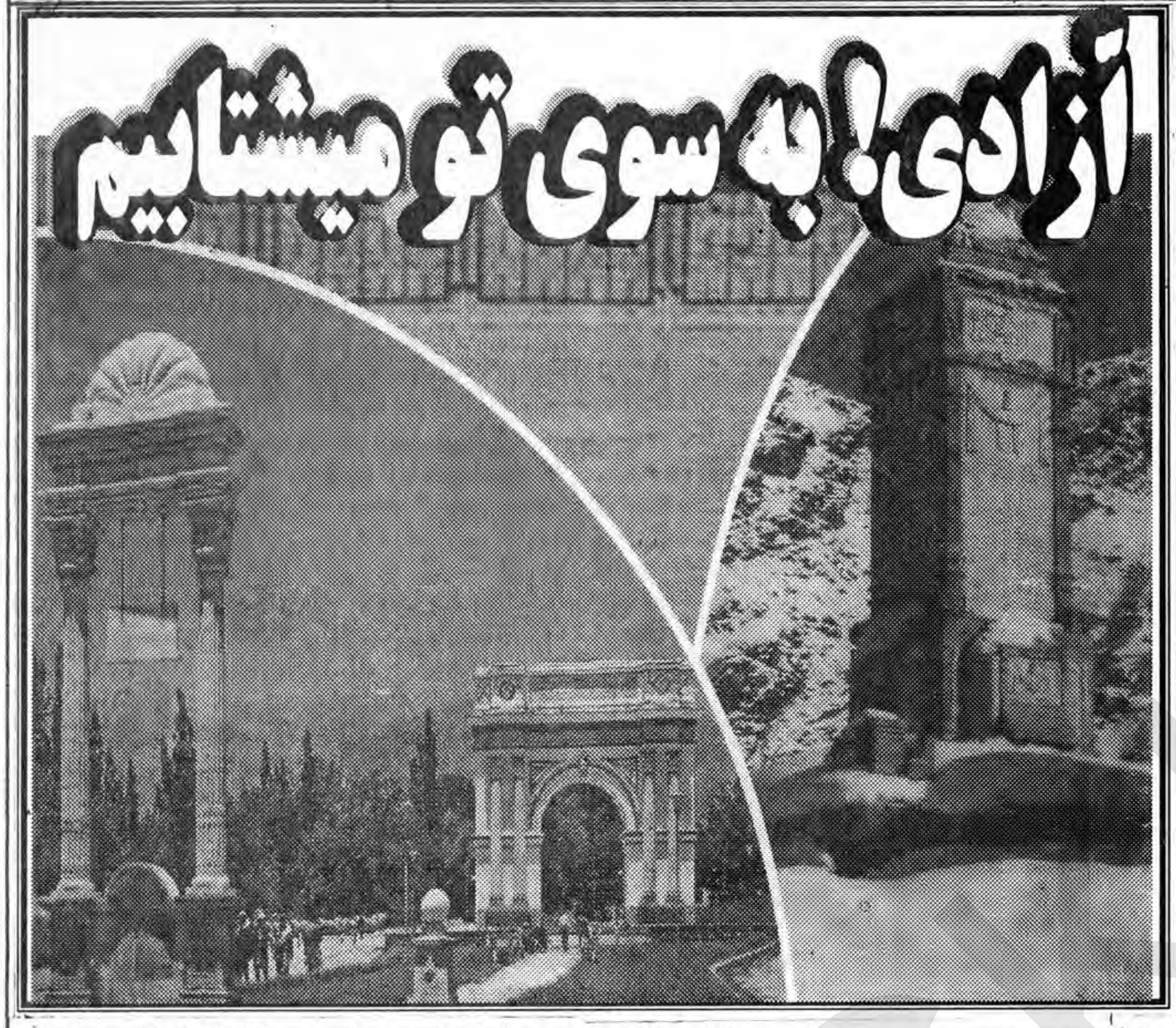

ترا می جوییم و نمی یابیم، به دنبال تو به راه افتاده ایم در سنگلاخ ها و در کوره راه ها، ولی از تو سراغی نمی یابیم.
بهر سو می دویم، چون تشنگان آسیمه سر و جان برلب ولی در هرگام با سرابی و بامردابی روبرو میشویم، این سرابهای درخشنده و این مردابهای بی رمق، پیام آزادی را ساطع نمیسازند، ما که چنان تشنگان افتان و خیزان فرسخها را پشت سر گذاشته ایم. تا به این سرابها برسیم، این سرابها و این مردابها چاشنی آزادی را در کام ما نمی ریزانند!
به آبده هایت روی می آوریم، مگر در سیمای آنها و در پیکره های آنها برق آزادی و ابهت آنرا پیدا کنیم! آبده ها همه مسخ و مثله شده اند و از هیأت و هویت افتیده اند.
اینجا طاق ظفر است، مظهر آزادی و آزادگی ماست، آنرا از هر سوی تاتوانسته اند به رگبار بسته اند، تا حقیقت و موجودیت آنرا مثل همه ارزشهای دیگر از صفحه روزگار نابود کنند. ما حالا تنها تصویر به اندوه نشسته یی ازین آبده را در صفحات به غبار نشسته تاریخ در دست داریم و دیگر هیچ! این طاق را و این رواق را آهنها و آتشها و کینه های تراکم کرده و گره شده چو مشت های خشم آلود و عصیانبار، به سان شهید، درین برهوت تیر باران کردند، و این شهید بی کفن که خونش بر چشمان و گونه های ما شیار کشیده، بسمل آسا بر خود پیچید و در خود فرورفت، و حالا ما این شهید را آنگونه که بود نمی یابیم.
پس بگویید ما آزادی را در کجا سراغ بگیریم؟ در دشتهای به خون خفته میلیونها شهید که درین راه جان دادند و بی نام به فراموشی رفتند و یا در تفرعن عفونت زای عظر ما که از همه چیز سترون شده است و آزادی در تخمدانش یخ بسته!
به من بگویید آزادی را در کجا سراغ بگیریم؟ در بالهای پرندگان که بالهایش را بنام آراستگی بریده اند و پرهایش را بارنگ ها آلوده اند و بر پایش حلقه هایی از تعبد و تقید بسته اند.
به من بگویید آزادی را در کجا سراغ بگیریم؟
در هوای با کره، صبح که خستگی و ضلالت شب را بدور پراگنده! و در لحظه، تنفس ذرات و مالیکولهایش بوی سرب و بوی خشونت و نکبت قرون را با خود دارد، و با هر وزیدن آن همان تهوع پر عفن در درون مان میجوشد که قرنها با پشمینه چا در سیاه و درشتش از درون قبر و تابوت ذهن و دماغ ما نرا می آلاید.
ص۴

مینار علم و جهل

این مینار به یادگار ظفر علم بر جهل که یادی از سانحه، خونین و اعتشاش مشهور به ملای لنگ را بر ضد نهضت افغانستان میدهد، در فرازتپه، کوچه در کنار پارک احمد شاهی درمقابل نو آباد بریکوت به شکل مقبول و مرغوب از احجار ملون و خیلی ظریف بنا یافته است که شرح کتیبه، آن حقایق تلخی را از تاریخ افغانستان به خواننده واضح و روشن میسازد.
۴

د لوی او بښونکي خدای په نامه

سرمقاله

بعد از هشتاد وچهار سال!

یکی از بزرگترین وپرافتخار ترین کارنامه های تاریخ معاصر کشور ما استرداد استقلال افغانستان است که هشتاد وچهار سال پیش از امروز رویای آن به حقیقت پیوست. عظمت وشکوهمندی این روز در آنست که با تدبیر و اراده ابر مرد تاریخ معاصر افغانستان اعلیحضرت امان الله خان، استقلال وحاکمیت ملی افغانستان از استعمار انگلیس بدست آمد. باکشته شدن امیرحبیب الله خان شهزاده امان الله در مسجد عیدگاه کابل در محضر اهالی شهر کابل در حالیکه شمشیری را از نیام می کشید، انتقام گیری خون پدر و حصول استقلال افغانستان را به مردم تعهد نمود وچنین تصریح کرد: تا وقتی این شمشیر را در نیام نخواهم کرد واز پای نخواهم نشست که آزادی و استقلال افغانستان را کمایی نکنم... وبدینگونه دولت انگلیس را از تصمیم تاریخی و بزرگش مطلع ساخت.
این مرد عهد و منشورش را در زمانی به پیشگاه ملت عرضه کرد که افغانستان در وضعیت تحت الحمایگی به سر میبرد و سردرپای اجانب میسود.
اعلیحضرت امان الله برملتی خوابزده تکانه یی بخشید وملت با پاسخ گفتن به ندای رستاخیز آفرین او بود که با ایثار وفداکاری تن درداد.
اعلیحضرت امان الله خان شاید یگانه کسی بود که صادقانه میخواست کشور رابه کاروان تمدن جهانی که شتابان به صد ها فرسخ از ما به جلو سیر میکرد همگام سازد. لذا از هر جهت وبا ذرایع گوناگون درصدد آن بود تا صادقانه دست ملتش را بگیرد و بر بلندای تاریخ ببرد، اما دستهای غرض آلود ازداخل وخارج حتی از درون دربارش سد راه او میشدند وبلند نظر یها وترقی پسندیهایش را کفر و گمراهی می انگاشتند وجهال زمانه اش به سنگ جفا وملامتش می کوبید ند تا سرانجام باهمدستی اجانب از صحنه بیرونش ساختند. این شاه بلند نظر وبزرگ اندیشه چنان برای آبادی و آزادی ملتش پروانه وار میسوخت وخود را به آب و آتش میزد که تاریخ بدیلش را برای ما کمتر نمودار ساخته، او چنان شخصیتی است که بدون تبعیض وتعصب به قوم ونژاد خاص وپابندی به حلقات خویشان وبستگان در پیشانی هر فرد ملت ورعایای ناهمگونش خطوط پیشرفت و رشد پابندگی را میجبست بی آنکه کسی را بر کسی مرجع شمار و برتری بخشد.
بقیه ص ۴

بر نظام شاهی (سلطنت) پافشاری نداریم
ص۲

اراده مردم مهم است نه نوعیت رژیم

کاندید برای مقام پادشاهی مربوط به لویه جرگه و شخص بابای ملت میشود

رژیم شاهی با اصل دموکراسی متضاد نیست

با آقایان میرویس ظاهر و مصطفی ظاهر تفاهماتی صورت گرفته است

ما طرفدار و پیرو نظریات شاه هستیم

بر نظام شاهی(سلطنت) پافشاری نداریم

اخیراً تشکل جدیدی زیرنام (دافغانستان دملی وحدت تحریک) درشهرکابل با برپایی جلسه ای به اشتراک دو هزار تن اعلام موجودیت کرد. این تشکل "با درنظرداشت موقعیت جغرافیایی وعنعنات تاریخی ملت، نظام سیاسی باثبات ومطابق اراده مطلق مردم را" در چهره (سلطنت مشروطه) می نگرد. بااینکه رهبری (دافغانستان دملی وحدت تحریک) خودشانرا ((پیرو نظریات وفرمایشات بابای ملت)) معرفی داشته و برنظریات اعلیحضرت محمد ظاهر شاه که ((افغانان رابه وحدت ملی دعوت نموده اند واین یگانه راهی برای تأمین استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، صلح وعدالت اجتماعی)) تاکیدمی نماید دفتر بابای ملت با صدور اعلامیه ای هر نوع اشتراک وهمکاری بابای ملت را با این تشکل ردنمود. روی این اساس وبر مبنای سایر پرسش های که این تشکل با اعلام موجودیت مطرح ساخته است خواستیم صحبتی داشته باشیم بارهبری (دافغانستان دملی وحدت تحریک) که خوشبختانه آقای همایون شاه آصفی یکی از اعضای شورای اجرائیه این تحریک حاضر شدند به پرسش های ما وخواننده گان عزیز روزنامه با جبین گشوده پاسخ های ارایه دارند که اینک تقدیم می گردد.

• دراطلاعیه دفتر بابای ملت به صراحت اشتراک وهمکاری بابای ملت با احزاب،گروه ها وتحریک ها ردشده وبگونه واضح تذکاربعمل آمده که ایشان (حضوراعلیحضرت) ازآقای حامد کرزی پشتیبانی می نمایند این اطلاعیه بگونه ای رد آنچه که بنام (دافغانستان دملی وحدت تحریک) ظهور نموده تلقی شده است. موضع گیری وعکس العمل شما پس از صدور اعلامیه چگونه است ؟

- شما دقیقاً اطلاعیه دفتر بابای ملت را مطالعه کنید اطلاعیه اولاً واضح می سازد که ایشان همیشه تعدد احزاب را خواستار بود ه آنرا تایید می کنند زیراجناب شان به دموکراسی عقیده دارند وهمه میدانند که بدون موجودیت احزاب، دموکراسی کالبد بی جانی خواهد بود پس اعلیحضرت موجودیت احزاب را تایید می نماید ،نکته دوم را اعلامیه اینگونه تشریح می کند هیچ کس ،گروه یا حزب نباید ازنام ومقام بابای ملت استفاده کند ، ماهم همیشه به همین فکر بودیم ، زیرا ما میدانیم که بابای ملت بالاتر ازاین بازی های سیاسی وتشکیلات سیاسی تشریف دارند ، آنها همه ملت افغانستان را فرزندان شان میدانند وهمه را به یک چشم می نگرند ، کسانیکه ازنام ونشان اعلیحضرت محمدظاهر شاه استفاده کرده اند ، کسانی دیگری اندمانیستیم .
نکته سوم دراعلامیه واضح می سازد که حضور اعلیحضرت موفقیت اداره انتقالی را آرزو می کند ، ماهم موفقیت حکومت انتقالی را آرزو می کنیم زیرا اگر این حکومت موفق می شود نتایج خوبی برای مردم می داشته باشد واگر این حکومت ناکام می شود مردم متضرر میشوند ، امکان دارد ، صاحبان قدرت تکلیف نبینند ،تکلیف بالای مردمی می آید که بیست وپنج سال شرایط بسیار مشکل را متحمل شده اند ، ازاینرو ما اعلامیه دفتر بابای ملت را بکلی تصدیق می کنیم وآنرا رد این موضوع نمی بینیم باوجوداینکه بعضاً برای تخریب کاری تفسیروتعبیر دیگری ازاین اطلاعیه ارایه میدارند .

• شما درصحبت تان فرمودید که موفقیت اداره انتقالی را آرزومیدارید ، درین صورت شما می توانستید ،مثلاً تحریکی را بسازید که درآن آقای کرزی مطرح می بودند ویا پشتیبانی ازایشان عنوان میشد ،

- تحریک ما مخالف حکومت نیست، بلکه مستقل ازحکومت است واین به خواست مردم صورت گرفته است ماکارهای خوبی را که حکومت انجام دهدتائید می کنیم وهمچنان اجراآت ناقص را تنقیدمی نماییم البته با روحیه اصلاحی نه برخورد تخریبی.

• درمراسم اعلام موجودیت "دافغانستان ملی تحریک" ازجا داشتن آقایان میرویس ظاهرومصطفی ظاهر دررهبری تحریک نام برده شد ، چه فکر میکنید بعد ازاعلام موضع گیری اعلیحضرت دربرابرتحریک ، شهزاده ها با شما خواهندماند. ویا ایشان هم تغییر موضع خواهند داد .

- طوریکه قبلاً عرض شد ، اعلامیه دفتر بابای ملت نباید آنگونه تعبیر شود که گویاحضور اعلیحضرت مخالف تحریک هستند ، ماپیرونظریات اعلیحضرت هستیم ، ایشان ، اتحادملی ووحدت ملی را می خواهند ، ما عین مفکوره را درمنشورخودداریم یعنی همه کسانیکه درافغانستان زندگی میتمایند حقوق مساوی دارند وهیچ کس برهیچ کسی امتیازی ندارد ودیگرفرمایش حضور اعلیحضرت همیشه این بوده که آزادی ودموکراسی وهرتصمیمی که گرفته میشود باید متکی به اراده آزاد مردم باشد که این هم جزء منشورتحریک مااست . همچنان باآقایان میرویس ومصطفی قبلاً تفاهماتی دراین مورد صورت گرفته بود . فعلاً ایشان هردو درکابل حضورندارند ، زمانی که تشریف آوردندشما میتوانید این مسئله راباخودایشان مطرح کنید .

• چه فکر میکنید شهزاده ها خودشان رابرای رهبری سلطنت درافغانستان مطرح ساخته اند ویا "تحریک" برای زعامت کسی دیگری را انتخاب کرده است

- این یک سوء تعبیر ویک سوء تفاهم است ،ما گفته ایم که تعیین رژیم آینده افغانستان مربوط به ملت افغانستان است . هیچ کس حق ندارد که یک نظام را به زورویا خدعه وفریب بالای مردم افغانستان تحمیل کندهرتصمیمی را که ملت افغانستان درمورد اتخاذ نمایند اگر شاهی باشد یا جمهوریت باشد ما ازآن وازاراده اکثریت اطاعت میکنیم . هدف ما اینست که باید همین شرایط مساعد شودکه مردم بتوانندنظریات آزاد خویش را بیان دارندمی خواهم بپرسم که چه کسی همین کمیته طرح وترتیب وبعدتدوین وتسوید قانون اساسی را صلاحیت داده است که تنها جمهوریت را پیش بین باشند وازمردم نپرسند که آنها خواستار چگونه نظامی اند اگر به ترکیب لویه جرگه آینده که به فرمان آقای کرزی تدویر خواهد شد بنگریم یک تعداد زیاد اعضای آن ازطرف شخص کرزی تعیین می شوند ، نتیجه چه خواهدبود . فکر میکنم نتایج آن مثل نتایج لویه جرگه اضطراری باشد زیرا وقتی که آرای مردم مدنظر نباشد ، هرتصمیمی که اتخاذشود چه انتخاب شخص باشد ،چه تصویب قانون اساسی ازمشروعیت کافی برخوردار نمی باشد ، چراکه همکاری مردم باآن نمیباشد .

• مردم ، تاجائیکه دیده شده درطول این همه سال جنگ وخشونت، اگر توقع نظام شاهی داشته اند آنرا درچهره اعلیحضرت محمدظاهر، شاه اسبق میدیدند یعنی آنها برگشت سلطنت را با برگشت شاه سابق به رهبری کشورمطرح میکردندوتا حدودی هم حاضر بودند ، به خاطرایجاد وتامین صلح سراسری کشور آن نظام را بپذیرند ، حال که هم شرایط عوض شده وهم شاه سابق لاتعلقی خویشرا باین مسایل اعلام داشته اند . شما چه فکر میکنید ، آنهای که سلطنت طلب بودند ویاهستند حال با شما هستند ویا به دورشما جمع میشوند .

- ماقبلاً هم گفتیم که مقصدمان بوجودآوردن اتحادملی است ما نمی خواهیم که یک اختلاف دیگری را در میان مردم بوجود آوریم که طرفداران شاه یا نظام شاهی ومشروطیت را مطرح سازیم ، ماطرفدار وپیرونظریات خود شاه هستیم هرآنچه ملت به اراده آزادخودبخواهد مورد قبول ماست وخواهش مااینست که برای ملت موقع داده شود تاآزادانه نظریات خویش را ارایه دارند ،

• شما گفتید که پیرونظریات شاه هستید واین امکان را ردنمیکنید که درنهایت شاه با تحریک یکجا شوندهمچنان حرف دیگراینکه مسئله وراثت را چگونه حل وفصل کرده اید درحالیکه شهزاده احمدشاه ولیعهد سلطنت پدربوده اند وتاحال رسماً ازسوی حضور اعلیحضرت خلع نشده اند ،امادرتحریک ازوی نامی برده نمی شود ، شما این مسایل را چگونه بررسی میکنید شما به خصوص که روابط فامیلی ونهایت نزدیک با خانواده شاهی داشته وهم از مقربین شخص شاه اسبق بوده اید؟

- این سوال قبل ازوقت مطرح میشود ،این سوال فعلاً مطرح شده نمی تواند ،اگر نماینده های ملت نظام شاهی را انتخاب کنند . درآنوقت این مسئله می تواند مطرح باشد ومربوط به نمایندگان وشخص بابای ملت می شود. فعلاً مجادله مابخاطر مد نظر بودن ومدنظر گرفته شدن تمایلات ونظریات مردم در لویه جرگه وانتخابات آینده راه اندازی شده است.

• اگر نظریات وتمایلات مردم به سوی نظام شاهی رجحان پیداکند، کاندید شما برای احرازمقام سلطنت کدامین شخصیت خواهد بود.

- من شخصاً کاندیدی ندارم قبلاً هم خدمت شما عرض کردم که این مربوط به لویه جرگه و شخص بابای ملت می شود.

• ببینیم زمانی که تحریک را اعلام داشتید در آنوقت آقای سلطان محمود غازی به عنوان شخصیتی در راس یا رهبری تحریک معرفی شدند وایشان هم در بیانیه شان باتاکید روی نظام شاهی مشروطه از اعتمادی که بالای شان صورت گرفته اظهار شکران نموده اند. اگر تحریک بتواند در مبارزات انتخاباتی برنده شود ویا اکثریت را بدست بیاورد کاندید جدیدی مطرح خواهد بود یا چطور؟

- خداوند برای اعلیحضرت طول عمر نصیب کند تا زمانیکه ایشان در قید حیات اند این سوال مطرح شده نمی تواند.

• یعنی اینکه تحریک بخاطر بازگشت شاه اسبق به مقام سلطنت فعالیت دارد.

- خدمت شما عرض کردم که تحریک نه برای اعلیحضرت کار می کند نه مخصوصاً برای رژیم شاهی کار می کند ،نه برای ژریم جمهوریت کار می کند ، هدف تحریک اینست که اراده مردم، اطاعت شود وباآن بازی صورت نگیرد.

• پس چراسلطنت مشخصاً دربیانات رهبران تحریک عنوان شده است ؟

- شما می دانید که دریک تحریک بزرگ وسراسری نظریات وخواست های گوناگونی مطرح شده می تواند ودراین هیچ جای شک نیست که در صفوف مایک اکثریت مطلق طرفدارنظام شاهی است اما درعین زمان به اصل حاکمیت دموکراسی عقیده دارند این انتخاب باید برای مردم گذاشته شود آنچه که مردم می پسندند وتائیدمی کنند بایدمورد قبول واقع شود.

• دررابطه با برگشت به عقب، یعنی انتخاب نظام شاهی چه دلایلی می تواند ارایه شود؟

- برای این کافیست که شما جریانات سی سال گذشته افغانستان را مرور کنید . افغانستان انواع واقسام رژیم ها را تجربه کرده است.
مردم ما جمهوریت داود خان را تجربه کرد، حکومت های کمونیستی خلق وبعد تر پرچم راتجربه کرد، حکومت مجاهدین را تجربه کرد، امارت طالبان را تجربه کرد و حال حاکمیت فعلی را تجربه می کنند، وقتی این رژیم ها رابا سلطنت ظاهرشاه مردم مقایسه می کنند به این نتیجه می رسند که بهترین نظامی که برای شرایط افغانستان موثر است همان نظام شاهی است، حتی کسانیکه آنوقت در زمان حاکمیت رژیم شاهی مخالف شاه ورژیم شاهی بودند امروز طرز تفکر سیاسی دیگری دارند.

• برمی گردیم به حرف های قبلی مان که مردم به شخص شاه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه اعتماد دارند و خاطرات خوشی از ایشان بیاد دارند نه ازرژیم های شاهی وچنانیکه حال هم هویدا است مردم شاه را می خواهند نه نظام شاهی را.

- شما چه فکر می کنید شاه تنها یک شخص است یا یک موسسه است، شاه هیچوقت یک شخص بوده نمی تواند ، البته هر نظام وهر پادشاهی که بوده مشکلاتی داشته، نکات مثبتی داشته وهمچنان نکات ضعفی داشته انسانها همیشه از اشتباه خالی نیستند، وخوبی وبدی همه نسبی است ومقایسوی، نه مطلق.

• از نظر شخص شما مردم این برگشت به عقب را خواهند پذیرفت؟

- شما چه فکر می کنید وقتی که ما می گوییم اراده مردم وبه اراده مردم احترام گذاشته شود این خود اصل اول دموکراسی است آیا این برگشت به عقب است یایک طرز وطرح روشنفکری برای آینده افغانستان است ما مردم سالاری وشایسته سالاری را خواهانیم.

• شما لطف کردید اما همه می پذیرند که جمهوریت خود یک پدیده جدید است که طی سالیان متمادی از روند تکاملی رژیم ها ونظام ها بوجود آمده است سوال از این زاویه مطرح بوده است.

- من خودم متخصص علوم سیاسی هستم این مسایل را می دانم، شکل یک رژیم هیچگاه ضامن تامین دموکراسی نیست این محتوای رژیم است که می تواند ضمانت کند، شما ببینید در جهان سوم مثلاً جمهوریت های وجود دارند که از دیکتاتوری ها و رژیم های مطلقه ظالمانه تر برخوردار ند و همچنان می بینیم کشور بسیار معظم که در آنها آزادی وپیشرفت و ترقی حکمفرما است چون کشور های انگلستان، هسپانیا، ناروی، دنمارک ، سویدن ، هالند بلژیک وغیره، همه نظام شاهی دارند، پس گفته می توانیم محتوای یک رژیم مهم است نه شکل آن.

• بهر صورت بعد از اعلام تحریک آیا باحضور اعلیحضرت تماس های حاصل شده است؟

- با حضور اعلیحضرت تماس های وجود دارد والبته تماس های شخصی را بصورت عام ادامه داده ایم.

• تاجایی که دیده می شود همانگونه که شما فرمودید مردم نظام هایی را تجربه کرده اند، و این رژیم ها ونظام ها خوشبین ها وطرفدارانی هنوز هم دارند بگونه مثال رژیم جمهوریت داود خان شهید، هوا خواهان بیشتری داشته ودارد وهمچنان از این رژیم هاتعدادی خاطرات خوشی نداشته وندارند ودر مجموع مردم انتظار داشتند تشکیلاتی بوجود آید تا آرزو های شانرا در راستای داشتن اختیار تعیین سرنوشت به دست خود شان تحقق بخشد و مردم بتوانند خود شانرا در آن رژیم بیابند، وجای شان معین بوده واز حقوق حقه شان دفاع صورت گیرد اما این طور که دیده می شود الترناتیف جدیدی به ظهور نرسیده و در پس هر تلاش و ایستایی هنوز هم چهره های تکرار وتجربه شده جا گرفته از نظرشما آیا ممکن است این چهره ها بتوانند اعتماد مردم را جلب کنند؟

- شما میدانید که زمان شاهی مطلقه گذشته، اگر یک رژیم شاهی برسر کار می آید رژیم شاهی مشروطه خواهد بود که پادشاه در آن سمبول وحدت ملی است و امتداد دولت را تمثیل می کند و جریان های سیاسی مربوط به حکومت وپارلمان می شود، شاه همیشه بالاتر از این جنجال ها است منظور من این است که رژیم شاهی با اصل دموکراسی متضاد نیست البته شاهی های مطلقه وقتش گذشته، خود اعلیحضرت موسس سلطنت مشروطه هستند، با زهم تکرار می کنم ما بالای نظام شاهی پا فشاری نداریم.
تنقید ما بالای حکومت این است که هر کاری که می کنند برای مردم اجازه بدهند که تصمیم بگیرند. در افغانستان فعلاً مشکل عدم موجودیت قانون وجود ندارد ما قانون اساسی مصوب درسال ۱۹۶۴ داریم که مرعی الاجرا است همچنان سایر قوانین موجود اند مشکل ما تطبیق قانون است، تطبیق قانون زمانی صورت می گیرد که حکومتی بوجود بیاید که همکاری وپشتیبانی مردم را با خودش داشته باشد و از مشروعیت کافی مستفید باشد، شمامی دانید که درافغانستان صلح وامنیت را همیشه مردم تامین کرده است، نه حکومت ها مثلاً در گذشته شما می توانستید آزادانه حتی از طرف شب به کندهار، جلال آباد یا سایر ولایات بدون هیچ تشویشی سفر کنید. علت این نبود که در هر صد متری یا پنجصد متری یک پوسته امنیتی وجود داشت بلکه این مردم بودند که نمی گذاشتند عناصر خرابکار دست به جنایت بزنند وعموماً متخلفین توسط مردم شناسایی وبه مراجع قانونی سپرده می شدند. حال هم تازمانیکه مردم همکاری نکنند امنیت تأمین شده نمی تواند.
ببینم چند روز پیش دریک روز، افزون بر شصت تن به قتل رسیده اند ،دلیل اینست که امنیت تحمیل شده نمی تواند، نکته دیگر که باید عرض شود این است: مردمی که به حق یاناحق از حکومت ناراض می شوند، باید یک بدیل یا الترناتیفی را سراغ داشته باشند. که به آن مراجعه نمایند حال ما کدام الترناتیف را داریم، مردمی که ناراض می شوند یا نزدحکمتیار می روند، یا به طالبان مراجعه می کنند. یابه القاعده پناه می برند یا آله دست خارجیان می شوند، چرا یک حرکت ملی وجود نداشته باشد که اینها را جذب کند شما بهتر می دانید که در بعضی ولایات افغانستان طالبان یکبار دیگر نفوذ کرده اند و آزادانه فعالیت دارند علت آن این است که مردم باایشان همکاری می‌کنند، ویا حکومت همکاری نمی کنند ما می خواهیم که این حکومت یا حکومت آینده پایه مردمی داشته باشد تا مخالفین دموکراسی ومنافع ملی ازحمایت مردم برخوردار نباشند.

• شما از قانون یاد آور شدید آنچه در این مورد سر زبان هاست عدم تصویب ویا انفاذ قانون احزاب است می گویند این قانون تا اکنون رسمیت ندارد و بعضاً علت انکار رهبران جبهه متحد از تشکیل حزبی بنام نهضت ملی همین مسئله خوانده می شود. شما چه فکر می کنید در صورتیکه این قانون نافذنیست اعلام تحریک شما شکل غیر قانونی را بخود نمی گیرد

- ما وشما شاهد هستیم که همین اکنون احزابی به گونه چشم گیری فعالیت دارند. حتی خود شخص آقای کرزی چند روز پیش توسط سخنگوی شان اعلام داشتند که کاندید ریاست جمهوری هستند این به این معنی است که فعالیت های سیاسی آغاز شده ،همین کاندید شدن آقای کرزی برای ماهم اجازه فعالیت را می دهد ،اگر در افغانستان هیچ حزبی فعالیت نمی داشت وهیچ حرکتی وجود نمی داشت درآن صورت درست بود که فعالیت احزاب غیرقانونی محسوب شود، شما همین اکنون ۶_۹ حزب را شاهد هستید که بصورت آزاد فعالیت دارندوحتی شامل دستگاه حکومت هم هستند، چرا ما چنین فعالیتی نداشته باشیم.

• خوب اگر استناد روی حرف های آقای کرزی باشد ایشان باری هم خاطر نشان ساخته بودند که احزاب وتنظیم ها نمی توانند در انتخاب شرکت جویند.

- پس چرا حق اشتراک در حکومت را داده اند، ومطابق به فرمان شان اعضای حکومت اعضای لویه جرگه هم هستند و همه شاهد بودیم که در لویه جرگه گذشته همین شخص آقای کرزی بودند که عمر دو باره ای برای یکعده از احزاب بخشیدند وآنها را مشروعیت دادند.

• بهر حال شما چه فکر می کنید از جای یک سیاستمدار که این اشارات هوشداری محسوب نمی شود برای جلوگیری از اشتراک احزاب در انتخابات؟

- این عجیب خواهد بود وخلاف الفبای دموکراسی که درانتخابات جلو اشتراک احزاب را سد شوند پس چه کسانی اجازه خواهند داشت تا در انتخابات اشتراک ورزند، در صورت اشتراک منفردانه حکومت.می خواهد تا اشخاص مورد نظر خویش را بالا بکشد این یک عمل غیر دموکراتیک خواهد بود

• پس از دید شما چگونه ممکن است این امکان را از آنها یکه دست های شان به خون ملت آغشته است ومرتکب جنایات جنگی وحتی متهم به اعمالی علیه منافع ملی کشور اند واکنون با استفاده از امکانات مادی وگروه های مسلح شان می توانند مطرح باشند سلب کرد ونگذاشت یکبار دیگر برسرنوشت مردم حاکم گردند.

- قبلاً عرض کردم که قانون مصوب سال ۱۳۴۳ نافذ است در آن قانون ماده یی وجود دارد که برائت ذمه حالت اصلی است وتاکسی از طریق محکمه محکوم نشده باشد مقصر شناخته نمی شودا ما امید می کنیم از حکومت و از جامعه بین المللی تا اشخاصی را که دست های شان به خون ملت مظلوم افغانستان آلوده است از هر جناحی که باشند باید به محکمه کشانیده شوند تا حساب بدهند.

- آرزوی ملت هم همین است"

تشکر"

مگذارید سیاهی های تاریخ تکرار شود

گلالی حبیب

یکی از دانشمندان مترقی گفته بود: ((بعضی از عقاید بزرگتر از انسان ها اند اما بعضی از انسان ها به بزرگی عقاید))

آری شاه امان الله بدون تردید مصدق این گفته است. مردی معتقد به آزادی، استقلال، دموکراسی با گام های استوار، اهداف روشن قاطعیت، اراده آهنین با اندیشه مترقی وانسان دوستی، که خواست جهت ترقی وتعالی کشور ریفورم های رابه اتکا به نیروی مردم درعمل پیاده کند، وی جوان با احساس، مهربان، مسلمان صادق، طرفدار فرهنگ نوین وتمدن خلاف اجدادش فقط باهمسرش ملکه ثریا بدون داشتن، حرمسرای ها میزیست. ولی محبوبیت وی زمانی اوج گرفت که باکسب استقلال از استعمار انگلیس دموکراسی رابه مثابه ناقوس مرگ برشاهی مطلقه ودیکتاتوری در سراسر کشور نواخت ومردم باجان ودل از او پشتیبانی کردند و حتی زنان باسهیم شدن درنهضت روشنگری و نشر جراید ارشادالنسوان وتاسیس انجمن حمایت نسوان وغیره داخل فعالیت شدند وازریفورم های وی حمایت وپشتیبانی نمودند وشاه توانست این ریفورم ها را در مرحله اول از ۱۹۱۹ الی ۱۹۲۴ موفقانه باوجود دسایس خارجی و ضدیت نیروهای ارتجاعی تطبیق کند، اما مرحله دوم تطبیق ریفورم ها ۱۹۲۷ مخالفت ها از اثر مداخله مستقیم خارجی ها تشدید شد گرچه امان الله می توانست به همکاری نهضت روشنفکری و نیروی دولتی عناصر تحریک شده را سرکوب نماید ولی شاه امان الله با تحلیل مشخص منطقی از اوضاع مشخص کشور بخاطر جلوگیری از ریزش خون وطن را ترک نمود بارفتن شاه و پیروزی توطئه استعماری نخستین جوانه های دموکراسی ما چون سبزه های نورسته بدست خون آلود سیه کاران باداس استکبار دروشد.

اولین قانون اساسی کشور ۱۹۲۴ زمانی مورد خشم قرار گرفت که دربطن دستگاه دولت و در داخل دربار شکافی پیدا کرد و تناقص ایجاد شد که این فساد اداری مردم را ازحمایت قانون اساسی ودولت باز داشتند زیرا دهقانان ومردم که ازسوی اداره وفشار مامورین دولت ناراض بوده از تبلیغ عمده ((قانون ناسخ دین است)) فریب خورده زیر تأثیر مبلغان اجیر قرار گرفتند. این قضایا سبب رکود قسمتی از ریفورم ها گردید. زیرا در جرگه پغمان ۱۹۲۴ عده یی از وضع بحرانی دولت استفاده کرده قسمتی از ریفورم های دولت را بنام تعدیل مطرح بحث قرار دادند دولت هم پیشنهادات تعدیلی نماینده گان رابدون کوچکترین مقاومت جدی پذیرفت. تاریخ آیینه عبرت نما است ذکر این همه حقایق تلخ بخاطر امروز و فردای ماست امروز که سروصدا از تصویب قانون اساسی کشور ما طنین انداز است وشاید فردا شاهد انتخابات مبتنی بردموکراسی باشیم که هنوز زخم های ناسور ملت ما خونچکان است وغده چرکین جنگ سالاری وتفنگ اندیشی درسیطره ملوک الطوایفی در وجب وجب سرزمین مان بیدادمی کند باز هم بیم آن میرود این دموکراسی نوپا واین روزنه کوچک امید ها ونویدهای تازه ما که بعد از سالهای حاکمیت زور وتفنگ یکبار دیگر مورد تهاجم قرار گیرد. تفنگ اندیشانی که دیروز قدرت شانرا باسوءاستفاده از دین ومذهب میکردند. واکنون دموکراسی راپلی برای رسیدن به اهداف خویش دریافته اند، یکبار دیگر امنیت وصلح را در کشور به تهدید نشسته اند.

تاریخ این پیر صادق با گیسوان سپیدش شاهد اعمال هر یک مان است و چنانیکه امروز کرده های مانرا در هشتادوپنج سال قبل بررخ مان می کشد فرداهم قضاوتش را بی دریغ درمورد تک تک مان اعلام خواهد داشت چه خوبست در این قضاوت سرخ رو وسرفراز باشیم.

ځوانان او دملي يووالي اړتيا

نابلد

دتاریخ په اوږدو کې بهرنیو یرغلګرو او پراختیاغوښتونکو دخپلو واکمنیو دپراختیا په خاطر زمونږ په خاوره باندې یرغلونه کړی دی مونږ ته یې مالي او ځاني زیانونه اړولي دی خو لدې سره سره زمونږ توریالیو خلکو دخپلو وینو په تویولو سره دخپلې خاورې دفاع کړې او خپله خاوره یې ازاده کړې ده له نن ۸۴ کاله پخوا زمونږ وطن د انګریزانو دهغه وخت د امپراطوری دپراخولو دسیاست په نتیجه کې دهغوی دپراخې امپراطوری یوه برخه وه.

دهیواد تر ګوټ ګوټ پورې ورسیدې هیوادوال دخپلې آزادی په خاطر دکندهار مشرقی اوجنوبی په جبهو کې د زیاتوقومی مخورو تر مشری لاندې تنظیمدل له جنګ جګړو وروسته دانګریزانو دوخت دامپراطوری مشری دیته مجبوره شوه چې زمونږ دهیواد آزادی رسماً ومنی.

تش لاس په ملي او مذهبي روحیه دروس په مقابل کې ودریدل دروس په مقابل دغه مقاومت او جهاد دهغوی تروتلو او بیا تر ۱۳۷۱ کال دشور اتمي پورې دهغوی دپلویانو په مقابل کې دوام درلود.

د برتانیې د هغه وخت د ښیکلاك اوروس په مقابل کې زمونږ دخلکو له تاریخي

دروس په مقابل کې له بري مخکې اووروسته دمقاومت او جهاد د ډلو شمیر او مشری څوته رسیدله، ولسی مخورو قوماندانانو هم په دولتی څوکیو کې ځانونه شریك کړل پداسې حال کې چې له سواد څخه بې برخې وو. دسیاسي واکمنۍ دلاسته راوړلو لپاره سیاسی کشمکشونه او

قانوني دولت هیله من وو. اودبری نتیجې یې احساسیدونکی دی که خپلې خبرې راغونډې کړو ویلای شو چې مونږ دهیواد د خپلواکۍ د ګټلو له نیټې څخه تر ۱۳۵۲ هـ. ش کال پورې دغه تاریخي ورځ په پرتمینو مراسمو سره نمانځل کیده او تر هغه وروسته ددغې ورځې د نمانځلو په ځای د کودتاوو نیټې او د ثوراتمه نمانځل کیده هیله ده چې داسې تاریخي ورځې هر کال په پرتمینو مراسمو کې ونمانځل شي څو زمونږ ځوانان او هیواد وال دخپل

دهند دنیمې وچې په ګډون یوه داسې لویه امپراطوری یې جوړه کړې وه چې لمر په کې نه ډوبیده په هیواد کې خلك د آزادۍ دلاسته راوړلو لپاره دیوه غږ دکیدو په انتظار وو. دامیر امان الله خان له خوا دآزادی د لاسته راوړلو لپاره دغه غږ دعیدګاه په جومات کې پورته شو. ددغه غږ ازانګې

په ۱۹۲۱ کال زمونږ هیواد پردیو له سلطی او واکمنی څخه ازاد شو اود اسد 28 نمه نیټه زمونږ دتاریخ په کربنو کې په زرینو کربنو کې ثبت شوه دهیواد له سیاسی ازادی څخه وروسته زمونږ خاوره د ۱۳۵۸ کال د جدی په شپږمه نیټه دروسانو دیوځی تیری لاندې راغله او بیاهم زمونږ هیوادوال په

بریو وروسته په دوارو بریو کې څرګند توپیرونه لیدل کیږي.

ترلومړی بری وروسته تولو هغو ولسی کسانو چې په غزا کې یې ګډون کړي و تر بري وروسته خپلو کورونو ته لاړل او دولت یوازې یوې مرکزی اداري ته پاتې شو ملی اودولتی شتمنی هم په خپل ځای پاتې شوې وه خو

جګړې راپیل شوې ملي اوشخصي شتمنی هم دوسله والو کسانو له خوا لوټ او چور شوه او لاتر اوسه کله ناکله دهیواد په ځینو سیمو کې داسې نښتې اوس هم لیدل کیږي او اوس چې په هیواد کې انتقالی اداره رامنځته شویده دهیواد دتولو اوسینو روانو بدبختیو دختمولو اودیوه

تاریخ او خلکو د یووالي او یو غږ په باره کې معلومات ترلاسه کړي څو ځوانان وکړای شي په ملي یووالي او دپوهې په ګانه سره ځانونه سنبال کړي اودخپلو نیکونو په څیر د زړورتیا ترڅنګ په پوهه سره دخپلې وطن ددفاع اوساتنې لپاره کلك ودریږي.

داسد اته ويشتمه نيټه بايد په پرتمينو مراسمو سره ولمانځل شي

سهراب دیدار

څومره چې زمونږ دتاریخ کرښې روښانه دی په همدغه روښانه کرښو کې له پیل څخه تر اوسه پورې زمونږ تاریخ دسیاسی کشمکشونو او جنګ جګړو یوه سپړه برخه جوړوي خوددې خاورې زړورو خلکو دهر یرغل کوونکی په وړاندې خپله دفاع کړیده اودخپل وطن آزادي یې ترلاسه کړې ده سره له دې چې مونږ آزادي ترلاسه کړې ده خو ورسره ورسره زمونږ مادي او معنوی شتمنی هم ورسره له منځه تللی ده او بهرنی تیری کوونکی چې دې خاورې ته راغلی دی دخپلې واکمنی دپراخولو ترڅنګ یې په جنګ جګړو کې زمونږ مادی او معنوی شتمنی هم تربهر پورې ځغلولې ده.

همدا وجه ده چې زمونږ لرغونی آثار که یوه اندازه یې پخپله ددې سیمو دخلکو دبی پروایی اوناپوهی له امله له منځه وړل شوي خو یوه اندازه یې بهر ته هم رسیدلی دی همدا اوس دهندوستان په موزیم کې زمونږ دپښتو ژبې ډیر اثار وړل شوي او خوندی شوی دی انګلستان دبریتیش په موزیم کې قلمی پښتواثار ایښودل شوی دی دجرمنی دتیوبنګن په کتابتون کې د بایزید روښان داثر خیرالبیان قلمی نسخه در حمان بابا ددیوان قلمی نسخه موجود ده که څه هم دهغو شته والی زمونږ لپاره ښه دی خو کاشکی په خپل وطن کې راته روغې پاتې شوې وایی.

دپښتو دپوهنتون دپښتو ځانګې دوخت مشر مولانا عبدالقادر دخیرالبیان په سریزه کې لیکلی چې ما کله دجرمنی په کتابتون کې د خیرالبیان قلمي نسخه پیدا کړه ډیر خوشحاله شوم د کتابخانې مشر وویل دجرمنی لپاره دافتخار ځای دی چې دنړۍ داسې نایابه کتاب په کې پیدا شو، نن زمونږ د خیر البیان یوه قلمی نسخه موجوده ده اوهغه په جرمنی کې ده.

ددې قلمی اثارو هلته شته والی داماناً لري چې بهرنیو تیري کوونکو زمونږ دهیواد دښتمنیو په وړلو باندې صرفه نه کوله او زمونږ اثار یې ترخپلو کتابتونونو پورې ورسول. دانګریزانو دوخت دامپراطوری دراغځیدو په وخت کې دلته درې نامتو او مشهورې جګړې وشوې اوپه دریمه جګړه کې چې کله دامیر حبیب الله خان له وژل کیدو وروسته امیر امان الله خان پاچا شو نوموړي دعیدګاه، جومات ته لاړ دخلکو په مخکې یې دخپل هیواد دازادی داخیستلو اعلان په لوړ غږ سره وکړو او خپله توره یې راوایستله په لاس کې یې ونیوله او په لوړ غږ یې وویل زه به تر هغې پورې دا توره په تیکی کې کښینږدم څو چې دهیواد ازادي وانه خلم.

دهیواد دزړه ورو خلکو دمبارزو او جنګونو نتیجه وه چې د اسد په ۲۸ نیټه په ۱۹۲۱م کال کې مونږ خپله ازادي ترلاسه کړه اومونږ عملاً دخپلواك هیواد اوخپل واك څښتنان شوو له هاغه وخت څخه ددې تاریخي ورځې او ویاړ نمانځل پیل شول یوازې دسردار داود خان له کودتا څخه وروسته ددې تاریخي ورځې دنمانځلو په ځای دکودتاوو ورځې نمانځل شوی دی اوس چې هیواد دجوړونې په لور روان دی لاژمه ده او هیله ده چې دغه ورځ په شانداره مراسمو سره درسم ګذشت په جوړولو سره ونمانځل شي او زمونږ درناوی ورته وشي.

نقش زن افغان درمعرکهٔ استقلال

ناجیه امید

استقلال وآزادی از جمله نعمت های گرانبهای است، که در صدر همه خواسته های بشر قرار دارد، واگر استقلال و آزادی یک انسان ویک مملکت سلب میگردد بدون شک آن فرد ویا مجموع افراد مملکت حیثیت بنده وغلام را بخود گرفته وازاجرا و تعمیل همه مسایل دینی، اجتماعی ، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خویش محروم وفردگوش بفرمان دیگران میگردد.

اما باید گفت که همانطوریکه آزادی نعمت دلپذیر است، بها وقیمت آن نیز بیش از حد بوده واکثراً به قیمت خون وفدا شدن، بهترین جوانان بدست آمده وهمچنان حفظ میگردد.

مردم افغانستان نیز که بار بار مورد حمله وتجاوز اجنبیان قرار گرفته، با فدا نمودن بهترین افراد خویش اعم از پسران، دختران وپیره مردان آزادی و استقلال خویش را کمایی نموده اند چنانچه انگلستان یا برتانیه کبیر زمانیکه خیال تصرف افغانستان را در سرداشت وبه این کشور حمله وتهاجم نمود، قشون وی درسه مراتب چنان تلفات دید، که پشت زمامداران برتانیه رابه لوزه آورد. دراین فدا کاریها و جانفشانی ها در پهلوی مردان، زن ودخت افغان نقش خود را صادقانه ایفا نمودند. چنانچه در جریان جنگ دوم افغان و انگلیس درجنگ کابل چهار صد نفر از زنان کابلی وظیفه آبرسانی وغذای غازیان را عهده دار بودند و از جمله هشتاد وسه نفر آن درجنگ کوه آسمایی شهیدشدند.

قصه مهیج عبدالله عاشقان وعارفان وزهره نامزدش در همین جنگ بمیان آمد، عبدالله عاشقان وعارفان بازهرا دوشیزه همسایه اش نامزد بود، در عصر روز مجلس نکاح مختصر درخانه شان منعقد گردید و شام عبدالله داخل مجلس عروسی گردید ومادرش حنا در انگشت اونهاد، زهرای عروس گفت مردان عاشقان وعارفان به جنگ فرنگی رفته اند واینجا عروسی عبدالله است، عبدالله از تخت بلند شد وگفت راست گفتی. درچنین روز مرد باید در میدان جنگ باشد، نه در مجلس عروسی ، من رفتم اگر برنگشتم زهرا را در دنیایی دیگر خواهم دید، عصر فردا درحالیکه قشون انگلیس سخت ترین تلفات را متقبل وتاداخل قلعه شیرپور جاروب شده بود، غازیان جنازه عبدالله به خون آغشته را با خود آوردند ودر مقابل مادر پیرش گذاشتند. زهرای عروس آمد وتنها انگشت حنا دار عبدالله را بوسه زد و به مادرش گفت گریه نکن، تازنده ام در عوض عبدالله درخدمت تو هستم.

همچنان قهرمان دخت دیگر افغان، که شهامت وفدا کاری اش افتخار ملت افغان است ملالی بود، ملالی که در میدان خشک وبی آب میوند، درجنگ که به سپهسالاری ایوب خان، قهرمان ملی رهبری می شد وجنگ بود، که نتیجه اش پشت حکومت انگلیس را لرزاند، چنان حماسه آفرید، که زن ومرد افغان به آن افتخار می کند، دخت جوان افغان ملالی بود، که در حساس ترین وسرنوشت سازترین لحظات جنگ بیرق سپاه ملی رابه عوض بیرق دار شهید شده از زمین بلند وبه شانه میکشد وفریاد میکشد که :

خال به دیار له وینو کیږدم
چې شنکی باغ کې ګل ګلاب وشرموینه
که په میوند کې شهید نه شوې
خدای ږو لالیه بې ننګۍ ته دې ساتینه

واین گفتار ملالی و بدوش کشیدن بیرق سپاه ، چنان خون غازیان را بجوش می آورد که بخاطر دو هدف مقدس (آزادی وشهادت) پروانه وار خود را به آتش جنگ میزنند، وچنان میدان معرکه رابردشمن تنگ وتنگتر میسازند، که درنتیجه از دوازده هزار

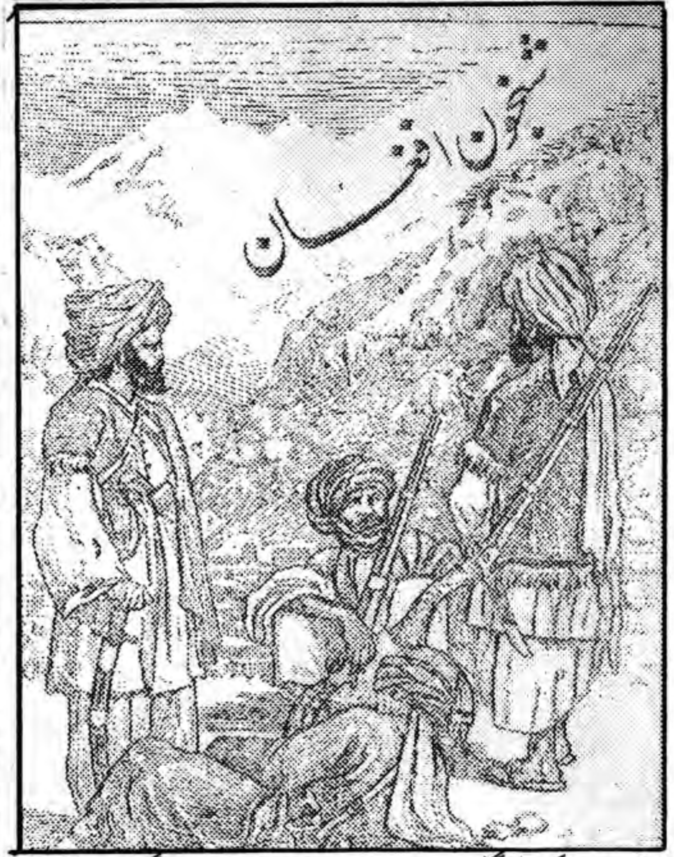

نفر عسکر انگلیس صرف بیست وپنج نفر آن توانستند ازمیدان معرکه میوند فرار و جان به سلامت برند، ونتیجه فداکاریهای ایشان بود که درسه مراتب قوای انگلیس در هم شکست واستقلال افغانستان بدست آمد، وبجا خواهد بود که اسمای غلام حیدر خان کابلی ، میربچه کوهدامنی، غلام قادر او پیانی ، عثمان خان صافی، غلام خیدر خان چرخی، محسن خان و حسن خان لوگری ، محمد جان خان وردکی، ملامشک عالم اندری ، نایب حفیظ الله ، میرمسجدی ، سردار ایوب خان ، عصمت الله خان جبارخیل، غازی امان الله خان را به گونه مشت نمونه خروار از جمله غازیان وقهرمانان جنگهای افغان وانگلیس یاد آور شد. وباید گفت که حماسه آفرینی های مرد وزن افغان دوشادوش همدیگر باردیگر بتعرض قشون سرخ روسی آغاز وادامه یافت ودر مدت زمان که روسهای متجاوز در این خطه حضور نظامی داشتند، با مقاومت سرسختانه مجاهد مردان وزنان افغان در کابل وولایات افغانستان مواجه گردیدندو جانفشانی های مشترک زن ومرد افغان، روسها را چنان ورشکست وذلیل ساخت، که جهان شرق وغرب از ترس و هیبت اونجات یافت وکشور های جدید ومستقل متولد گردید.

آزادی! بسوی تو..

به من بگویید که چگونه میتوان "آزادی" را سراغ گرفت، وقتی که نکبت عصر بر آن بیداد گرانه حکم میراند و آنرا موم وار در مشتش می افشارد. به من بگویید چگونه میتوان لقای آزادی را دید و دریافت، وقتی زنجیر های نامریی دست و پایش را بسته و دست کلفت سیاه اختناق زمانزدهء آنسوی قرنها، بردهانش میخ شده است!

به من بگویید چگونه آزادی را میتوان سراغ کرد، وقتی با شکستن این طاق ازین رواق به زیر افتاد، و از چشم انداز ما ناپدید گشت!

مگر عطرش را در مشیمهء گلها بیابیم، اما گلهای ما با دریغ پژمرده و باغستان ما خشکیده است.

به سراغ درختان و بته ها برویم، شاید در اندام به سبزی نشستهء آنها تبلور یافته است، اما دریغا که درختان و بته ها همه از بارووری مانده اند!

چه میتوان کرد؟ به ناچار برای آرامش روان خویش آزادی را از میان اوراق کتابها و از گلهای کاغذین و تصاویر رنگین باید سراغ گرفت و از هر مشت خاک این سرزمین که با خون میلیونها شهید بار بار شستشو شد و این خاک را مخمر گردانیده که هر ذرهء آن مژده بخش و عبیر آگین است!

تنها میتوان بر بلند این طاق بوسه و بر بلند ای بلند همتان که قهرمانانه در راه آزادی و استقلال جان دادند و آه نگفتند و خون خویش بر رخ مردم این وطن به طعنه نمودار نساختند که این ما بودیم که برای شما خون ریختیم و جان دادیم! بر شماست که مارا حرمت گذارید! زیرا ما ناجیان شما هستیم، بر ما تفاخر نمایید زیرا ماشما را از قید رسنهاو بند رهایی بخشیدیم! این شهدا و جان نثاران را باید همواره به خاطر داشته باشیم، زیراحق آنها اداشدنی نیست، همانگونه که آزادی از بستر خاطره ها زایل شدنی نخواهد بود، آزادی را و آزده گان را و شهیدان را با سپاس و تکریم گرامی بداریم.

آسوده

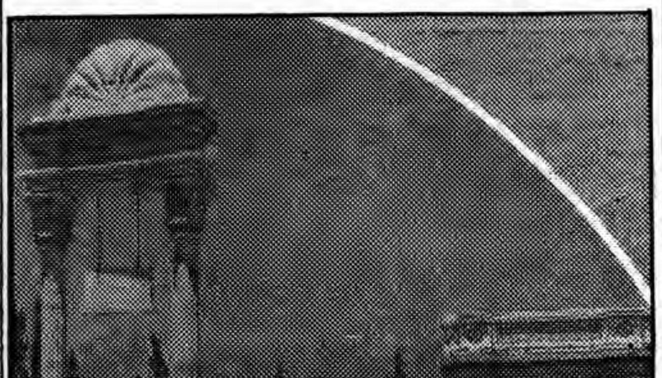

بعد از هشتاد و...

اکنون بعد از فرازو فرود های بسیاری که بروطن وملت ما گذشته و آشوب هایی ویرانگری که هستی مارا به تاراج برده است، وقتی تاریخ معاصر را مرور می کنیم، درمییابیم که چگونه این ابر مرد را نیکو به جانیاوریم و جاهلانه اندشیه های اورا که خلوص نیت و صداقت بی‌مانندی در آیینه های ما نمودار مسیاخت نابخردانه وحق ناشناسانه به تسخر دست کم گرفتیم وآن آیینه راشکستیم وسنگباران کردیم تا انجاکه از اوناجوانمردانه رو گردان شدیم و یادیگران با ایماو اشاره یي روگردان ما ساختند.

مسلماً گذشت چندین دهه ووزیدن بادهای سرد وداغ برین خطه وباخزان زدگی این باغ به ویرانه کشیده ما وانعکاس تصاویر کج وکوله وناهنجار درآیینه های چشم انداز ما باری عبرت تاریخ رابرای ماپیش می کشد وهمین عبرت تاریخیست که مارا میگزد. که چگونه به اصطلاح ماهم از زاغ ماندیم وهم از رزاق و هم خدا را ازدست دادیم وهم خرما را و حالا در شوره زرلم یزرعی سرگردانیم ودرین سرگردانی آزادی را سراغ می گیریم وآزاد گانی را که مارا به سر منزل مقصود رهنمون گردند!

مینار علم وجهل ...

نظر به فدا کاری های قیمتدار فرزندان رشید وطن و شیر مردان غیور ملت که در محاربهٔ جهال بغاوت پیشهء سمت جنوبی که فی‌الواقع یک مقابله جهل و علم بود، در سنهء ۱۳۰۳هجری شمسی عصر سلطنت اعلیحضرت محیی ملت افغان پادشاه ترقیخواه افغانستان الغازی (امیر امان الله خان)به مقابل ارتقای ملی و اعتلای علم و تمدن رخ نمود، بکمال قناعت و پایداری در حفاظهء شرف و عزت دولت متبوع خود ها و طرفداری علم و معرفت به مدافعهء اشرار بغاوت شعار و محاربهء گمراهان تبهکار و اذالهٔ ارادت باطلهء شان کوشیده، داد همت و غیرت اسلامی دادند و حیات خود را فدای ترقیات مملکت و قربانی رضای اولوالامر مقدس خود شان کرد. برای خود حیات جاوید و نیکو نامی تاریخی حاصل کردند. این یادگار با سعادت و افتخار به تاریخ ۲۳جوزا ۱۳۰۴ شمسی تاسیس یافت تا وطن دوستیها و معارف خواهی های آن فداکاران راه حقانیت را اولاد آینده وطن به نظر تمجید و بازماندگان شانرا به نگاه احترام دیده افراد حساس و احفاد حق پرست افغانرا دلیل رفتار و سرلوحهء افتخار باشد. و اسمای سعادت انتهای آن شهدای راه علم و ترقیات افغانستان بدینقرار است... که البته در سه طرف این آبده اسمای شهدا و خاطرهء آنها درج گردیده است.

اراده
زیرنظر هیات تحریر انتشار میابد
موسس وصاحب امتیاز: حاجی سید داؤد
مدیر مسوول: ظهور افغان
اراده در ویرایش و پیرایش مطالب دست باز دارد
آدرس: پروان مینه (ایستگاه سینمای بهارستان سرک مسجد حاجی میر احمد خانه نمبر۹۵)
تلیفون موبایل: ۰۷۰۲۲۴۷۸۷ - ۰۷۰۲۷۹۳۰۴
ERADA Daily
روزنامه آزاد وملی نشریه مرکزنشراتی افغان
اندیشه وعقاید مطرح شده ازسوی نویسنده گان به خودشان مربوط است
کمپوز و دیزاین: صدیق الله صادق و محمدعارف "لودین"
چاپ: مطبعه مرکزنشراتی افغان
قیمت یک شماره ۲ افغانی
Daily Independent Publication, Publisher: Afghan Media Resource Center
Fuonder: Haji Sayed Daud, Chief Editor: Zuhoor Afghan
Mobil Phone: 070279304 Mobil Phone: 070224787
eradadaily@hotmail.com Engineerjamil_amiry@yahoo.com